

این مقاله در روزنامه کیهان ۱۳۸۰/۲/۹ با عنوان «نگاهی به مفهوم امنیت ملی و مبانی آن» چاپ گردیده است.

مفهوم امنیت ملی و مبانی آن

سیدمهدی ساداتی نژاد

مفهوم امنیت ملی بعد از جنگ جهانی دوم در محافل علمی و آکادمیک بکار گرفته شد. اما این مفهوم در بستر تاریخی مشخصی ظهور کرد و تکامل یافت. سرآغاز پیدایش چنین مفهومی به قرارداد صلح وستفالی (۱۶۴۸-م) یعنی زمان شکل‌گیری دولت ملی می‌رسد. با تأسیس دولت علاقه به نظم و امنیت داخلی برای این واحدها به منظور حفظ بقای ملی اهمیت درجه اول را پیدا کرد. در تعریف و مفهوم امنیت ملی بین نظریه-پردازان روابط بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد. برخی اندیشمندان، امنیت را به معنای حفظ خود تعریف کرده‌اند، حفظ خود شامل حفظ جان مردم، تمامیت ارضی، سیستم سیاسی، اقتصادی، استقلال و حاکمیت کشور می‌شود. امنیت به معنای حفظ خود هدف اولیه و انگیزه اصلی همه کشورها در صحنه جهانی است. اما دیدگاههای دیگری هم وجود دارند. برداشتهای متفاوت از امنیت ملی، هر کدام در گروه خاصی تقسیم‌بندی شده‌اند.

برداشتهای رئالیستی از امنیت ملی

گروهی از نظریه‌پردازان علم سیاست امنیت ملی را با توانایی و قدرت ملی یک کشور مساوی دانسته‌اند. بیشتر کسانی که در مورد امنیت ملی به مطالعه پرداخته‌اند در این دسته جا می‌گیرند. مبانی نظری برداشت رئالیستی از امنیت ملی را باید در اندیشه کسانی چون هابز و در دوره‌های جدیدتر در آثار نویسندگانی چون «مورگنتا» و «ای.اچ.کار» جستجو کرد. در این برداشت جامعه بین‌المللی به صورت صحنه‌ای از رقابت و نزاع

ترسیم شده است که بازیگران اصلی آن دولتهای مستقل ملی‌اند. با چنین دیدگاهی نسبت به صحنه بین‌الملل و روابط میان دولتها وقتی از امنیت ملی سخن به میان می‌آید بلافاصله رابطه میان قدرت ملی با امنیت ملی در ذهن ظهور می‌یابد و امنیت، همزاد قدرت تلقی می‌گردد. لذا وجود امنیت ملی معنایی مترادف با وجود قدرت ملی پیدا می‌کند: تئوریهایی همچون موازنه قدرت، بازدارندگی، امنیت دسته جمعی، بازتاب برداشتهای رئالیستی از جامعه بین‌المللی است.

برداشتهای ایده آلیستی از امنیت ملی

در مقابل برداشت رئالیستی از امنیت ملی، برداشت ایده آلیستی قرار دارد که امنیت ملی را نه توانایی یک ملت بلکه نبود تهدید و وجود تأمین تعبیر می‌کند. در ادبیات روابط بین‌الملل امنیت غالباً به معنای احساس آزادی کشور در تعقیب اهداف ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور آمده است. ریشه‌های اولیه برداشت ایده آلیستی از امنیت ملی را در اندیشه‌های کانت جستجو می‌کنند. این دیدگاه برخلاف برداشت رئالیستی دیدگاه بدبینانه‌ای نسبت به جامعه بین‌الملل ندارد بلکه با خوشبینی به توصیف آن می‌پردازد.

کانت با تأکید بر اصول و ارزشهای اخلاقی، جامعه‌ای جهانی را پیش‌بینی می‌کند که در آن همکاری برای تحقق آرمانهای مشترک بشری جای رقابتها را می‌گیرد. از این دیدگاه با تهیه و تنظیم قوانین بین‌المللی می‌توان به صلح جهانی دست یافت. در دیدگاه ایده آلیستی، امنیت برای یک ملت که خود بخشی از جامعه بزرگ بشری است در وضعیتی قابل تصور است که جامعه جهانی تحقق یابد. نظریه‌هایی چون فدرالیسم و خلع سلاح، بازتاب چنین برداشتی است.

برداشت‌های اترناسیونالیستی از امنیت ملی

تعریف دیگری از امنیت ملی را، از میان نظرهای کسانی می‌توان دریافت که همکاری دولتها را بعنوان امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کنند. این گروه دسترسی به امنیت را تنها با وجود همکاری امکان‌پذیر می‌دانند و معتقدند در صورت نبود همکاری امنیت نیز رخت برمی‌بندد. برداشت اترناسیونالیستی که با عنوان نهادگرایی بین‌المللی نیز شناخته می‌شود حد وسط دو برداشت قبلی است. ریشه‌های نظری آن را بیش از همه به نظریات گروسیوس نسبت می‌دهند. گروسیوس گرچه دولتها را بعنوان بازیگران عمده بین‌المللی می‌پذیرد ولی به رقابت دائمی بین آنها قائل نیست. از نظر گروسیوس دولتها گرچه منافع متعارضی دارند و این امر موجب رقابت آنها می‌شود ولی منافع مشترکی نیز دارند که آنها را مجبور به همکاری با یکدیگر می‌کند.

گسترش همکاری دولتها به شکلی که در شرح دیدگاه ایده آلیستی اشاره شد و این گونه که در برداشت اترناسیونالیستی مطرح می‌گردد فرق اساسی دارند. در دیدگاه ایده آلیستی همکاری دولتها امری قانونمند است. دولتها به دلیل ارزش اخلاقی احترام به اصول و قواعدی که برای همکاری دولتها قائل هستند به سوی همکاری با یکدیگر کشیده می‌شوند ولی در دیدگاه اترناسیونالیستی همکاری دولتها از اجبار عملی موجود در جامعه ناشی می‌شود.

با بیان برداشت‌های متفاوت از امنیت ملی سوال این است که علت بروز این تفاوتها در نگرش نسبت به امنیت چیست و کدامیک از این برداشتها بیش از همه منعکس کننده واقعیت است. علت ظهور برداشت‌های متفاوت را باید در اختلاف روش شناختی محققین جستجو کرد. عده‌ای از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، با دیدی کلان

مسائل جهانی را بررسی می‌کنند، به نظر این عده روابط بین‌الملل مجموعه‌ای از روابط متقابل و گوناگون است. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه خرد وجود دارد که مطالعه خود را بر رفتار افراد، گروهها، سازمانها و کشورها متمرکز می‌کند.

امنیت ملی در دیدگاه کلان

رهیافت کلان نظام به کل نظام بین‌المللی اشاره دارد. متفکرینی که نظریه‌هایشان در این سطح تحلیلی جای می‌گیرند بر مفاهیم، مفروضه‌ها، قضایا و حجت‌های تجربیدی، انتزاعی کلی، تأکید دارند. با این معنا، مرجع بررسی و تحلیل اطلاعات برای نظریه‌پردازان کلان نظام، مبتنی بر ورودی‌های زمینه‌ساز از محیط بین‌المللی، عوامل تهدیدکننده و صحنه‌های پذیرنده سیاست خارجی ناشی از کل نظام بین‌المللی است. این دسته از دانشمندان با نادیده گرفتن یا کم بهادادن به نقش کشور به عنوان زیرمجموعه نظام بین‌المللی در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی اصالتاً توجه خود را به مسائلی چون ترکیب ساختاری قدرت، معطوف می‌کنند.

واقع‌گرایان تهدیدات امنیتی را کاملاً ازخارج و یا بعد نظامی ممکن می‌دانند. چنین فرضیه‌ای از امنیت توسط

واقع‌گرایان بر پایه سه اصل زیر استوار است:

- ۱- دولتها بازیگران عرصه جهانی هستند.
- ۲- هرج و مرج بین‌المللی، نیروی اصلی شکل دهنده به انگیزه‌ها، قدرت و امنیت دولتها است.
- ۳- دولتها در اوضاع و احوال آشفته بین‌المللی دچار دغدغه قدرت و امنیت هستند و به سمت ستیز و

رقابت گرایش دارند.

بنابراین امنیت ملی از این دیدگاه «حفظ موجودیت مادی، سیاسی و فرهنگی کشور در مقابل تجاوز و تعدی سایر ملتها» تعریف می‌شود.

در نگرش گروه جهان‌گرایان، امنیت جوامع در پرتو جهانی شدن امور تحقق خواهد یافت، آنان معتقدند که میان ملتها هماهنگی منافع وجود دارد و ملتها بر مبنای حاکمیت اخلاق و ایده‌ها و نه رقابت و تعارض با هم رابطه دارند. در نتیجه محدودیت‌ها و شرایطی که این گونه روابط و جهانی شدن امور برای جوامع ایجاد می‌کند، موجب ارتقاء امنیت و کاهش عوامل ناامنی می‌شود.

نگاهی به مفهوم امنیت ملی و مبانی آن

امنیت و وحدت ملی نکته‌ای است که رهبری نظام با درایت توجه مسئولین و مردم را در این برهه حساس بعد از گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی به آن معطوف داشتند. آنچه نگارنده در صدد آن است با الهام از توجه مقام معظم رهبری به مقوله امنیت، کنکاش علمی و تئوریک به منظور تبیین مفهوم امنیت ملی و برداشتهای مختلف صاحب‌نظران علوم سیاسی و روابط بین‌المللی و بیان عوامل تحول در مفهوم امنیت ملی در دنیای جدید است. نتایج این بحث می‌تواند مقوله‌ای باشد برای بررسی مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که خود می‌تواند موضوع بررسی دیگری قرار گیرد.

در قرآن مجید مفهوم امنیت با واژه امن و مشتقات آن در آیات فراوانی به کار رفته است که براساس تفاسیر متعدد امنیت به عنوان یکی از نعمتهای بزرگ الهی توسط خداوند به جوامع بشری ارزانی می‌گردد و در مقابل جوامعی که از مسیر هدایت الهی منحرف گردیدند، به جای امنیت با خوف روبه رو می‌گردند. در کلمات امیرالمومنین علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز موارد متعددی تحت عناوین مختلف، مباحث امنیتی مطرح شده است.

از جمله آن حضرت در خطبه ۴۰ در ذیل ضرورت وجود حکومت در حقیقت مهمترین وظیفه آن را ایجاد امنیت در جامعه در زمینه‌های مختلف معرفی می‌فرمایند. همچنین در خطبه ۱۳۱ حضرت از اهداف حکومت اسلامی را ایجاد امنیت ذکر کرده‌اند. مساله امنیت نظامی نیز به طور خاص در نامه ۵۳ نهج البلاغه مورد اشاره قرار گرفته است. در این نامه امیرالمومنین نیروهای نظامی کشور را یکی از راههای تحقق امنیت معرفی نموده‌اند. در دنیای امروز علی‌رغم آنکه عناصر امنیتی بسیار متکثر شده‌اند اما در عین حال نیروهای نظامی کشورها و میزان توانمندی آنها همچنان در رأس ملاحظات امنیتی مورد توجه می‌باشد. با الهام از آیات الهی و کلمات امیرالمومنین (ع) به عنوان تیمن و تبرک، در این مقاله به توضیح و تبیین مفهومی امنیت ملی با توجه به شرایط جهان در آغاز قرن بیست یک می‌پردازیم. نظام بین‌المللی در قرن بیست و یکم با شرایط نوینی روبه رو است. امروزه هیچ کشوری در خلأ عمل نمی‌کند و هر تغییر و تحولی در نظام بین‌المللی چه در شکل و چه در ماهیت تأثیری مستقیم بر عملکرد و امنیت تمام کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه دارد. متون تخصصی سیاسی و روابط بین‌المللی مربوط به امنیت ملی حاکی از آن است که در تعریف و ماهیت امنیت ملی برای کشورهای پیشرفته در حال توسعه بین نظریه پردازان متعدد روابط بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد.

هانس مورگنتا یکی از نظریه پردازان روابط بین‌الملل با دیدی سنتی و کلان نسبت به مسائل بین‌المللی «مفهوم امنیت ملی را در قالب منابع ملی به عنوان ستاره راهنما و انگیزه اصلی همه کشورها در روابط بین‌الملل مطرح می‌کند و می‌گوید مفهوم امنیت ملی بر حسب قدرت تعریف می‌شود». این نظریه پرداز امنیت ملی را صرفاً از سوی محیط بین‌المللی مورد تهدید می‌بیند در نتیجه به هیچ وجه نسبت به ماهیت امنیت کشورهای مختلف تفاوتی قائل نیست.

پوچالا نیز معتقد است «امنیت ملی در معنای عام کلمه به معنای آزادی از ترس و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت است» براساس این تعریف نیز امنیت ملی به معنای ایمن بودن در مقابل تهدیدات خارجی مطرح می‌شود که کشورها در آن مشترکند.

از سوی دیگر مک نامارا در رابطه با امنیت ملی چنین می‌گوید: «در یک جامعه در حال مدرن شدن امنیت، توسعه است و بدون توسعه هیچگونه امنیتی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ملت در حال توسعه‌ای که در واقع توسعه ندارد، نمی‌تواند امن باقی بماند.» بنابراین تعریف هر نوع مقوله امنیت باید چند بعدی باشد و براساس ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قومی، ایدئولوژی و همچنین نظامی بنا شده باشد. با این وصف مک نامارا برخلاف دو نظریه‌پرداز قبل ناامنی را صرفاً ناشی از سطح کلان و یا خارجی کشورها نمی‌داند بلکه آن را به حوزه خرد داخل کشورها نیز مربوط می‌داند. بر این اساس باید بین امنیت در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تمایز قائل شد.

با نگاهی در پرتو تاریخ و وضعیت معاصر به این دو گروه کشورها، مشاهده می‌شود که در مقوله امنیت، آنها با مسائل اساساً متفاوتی درگیرند.

۱- کشورهای پیشرفته از ثبات داخلی برخوردارند، هرچند ممکن است در صحنه خارجی امنیت خود را مورد تهدید ببینند. اما کشورهای در حال توسعه عمدتاً با مسائلی از جمله شورشهای داخلی، انقلاب، اختلافات قومی و کودتا مواجهند. به عنوان مثال «در فاصله سالهای (۱۹۸۵-۱۹۸۱) در حدود ۱۷۸ کودتا در کشورهای در حال توسعه رخ داده است در حالی که حتی یک مورد آن در کشورهای پیشرفته مطرح نبوده است به نوع مورد تهدید خارجی بوده‌اند».

۲- با وجود تفاوت فوق که منابع تهدید کننده امنیت ملی کشورهای در حال توسعه را به طور مضاعفی در دو سطح داخلی و خارجی قرار می‌دهد، ذکر این نکته لازم است که با وجود منابع تهدید در سطح خارجی در دو گروه کشورها، ضرورتاً ماهیت این دو تهدید یکسان نیست. نوع تهدیدی که از خارج کشورهای در حال توسعه را تهدید می‌کند، با تهدیدهای خارجی کشورهای پیشرفته متفاوت است. کشورهای پیشرفته در پی تعقیب رفاه عمومی و توسعه اقتصادی از طریق اقدامات بین‌المللی، کسب درآمد بیشتر خارجی از طریق صادرات، افزایش نفوذ خارجی و پرستیژ، و در نهایت گسترش الگوی سیاسی و اجتماعی خود به عنوان بهترین الگو، می‌باشند. حال آنکه تهدیدات در کشورهای در حال توسعه متوجه حفظ جان، تمامیت ارضی، حفظ سیستم اقتصادی، سیاسی و حفظ استقلال و حاکمیت کشور است. بنابراین تهدیدات امنیتی در کشورهای پیشرفته، متوجه اهداف ثانویه است که حیاتی نیست و نوع تهدیدات در کشورهای در حال توسعه، متوجه اهداف اولیه است که برای بقا حیاتی است.

از آنجا که در نظام بین‌المللی، دولت ملی به عنوان مهمترین واحد سیاسی تلقی می‌گردد و جهان امروز ما نیز وضعیتی پیچیده و متحول شده را پشت سر می‌گذارد و کشورها نیز در دو گروه توسعه یافته و در حال توسعه دسته‌بندی گردیده‌اند و با عنایت به اینکه کشور ما نیز یکی از کشورهای گروه اخیر است، شناخت چارچوب امنیت ملی برای کشورهای در حال توسعه به طور عام و برای ما به طور خاص می‌تواند راهگشای مسائل امنیتی و تهدیدکننده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱- سیدحسین، سیف زاده، «تحول در مفهوم منافع ملی و جایگزینی آن با مفهوم مصالح متقابل بشری»،

مجله سیاست خارجی، شماره ۲، سال پنجم، ۱۳۷۰، صفحه ۲۶۵.

۲- حمیده بهزادی، اصول روابط بین‌الملل، صفحه ۱۰۱.

۳- Robert MC

Namara: Essence of security_ (Newyork, Harper and Row. ۱۹۶۸. P ۱۴۶)

۴- علی احمدی، عدم توسعه سیاسی و امنیت ملی در کشورهای جنوبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

صفحه: ۳-۴.

۵- همان، صفحه ۴.